از پرونده هسته‌ای ایران تا مذاکرات صلح روسیه-اوکراین؛ اروپا چگونه به بازیگر حاشیه‌ای نظام بین‌الملل تبدیل شد؟

شلیک نهایی به بروکسل

تحلیل

علیرضا محمدی
گروه بین‌الملل

«اگر بلیت بخرند، می‌توانند به ابوظبی بیایند؛ اما کسی قصد ندارد آنها را به میز مذاکره دعوت کند.» این پیام کرملین درباره اروپایی‌هایی است که بیشترین بار مالی کمک به کی‌یف را به دوش کشیده‌اند. ۱۰ و ۱۱ نوامبر یعنی از روز سه‌شنبه نمایندگان آمریکا، روسیه و اوکراین در ابوظبی گرد هم آمدند تا درباره پایان جنگی در قلب اروپا گفت‌وگو کنند؛ اما در اتاقی که درباره آینده امنیت قاره سبز در آن بحث شد، برای اروپا صندلی‌ای در نظر گرفته نشده است. این فقط یک اختلاف پروتکلی نیست. از ابوظبی تا تهران، و از بحران گاز تا انتخابات ایالتی آلمان، یک الگو دیده می‌شود: قاره‌ای که روزی مقدرات جهان را رقم می‌زد، حالا هزینه‌ها را می‌پردازد و تصمیم را دیگران می‌گیرند. نشست سه‌جانبه ابوظبی در بستر وضعیت روابط بین‌الملل امروز، شاید یادآور بزنگاه‌های تاریخی بزرگ نظیر کنگره وین (۱۸۱۵)، کنفرانس یالتا (۱۹۴۵) و کنفرانس تهران (۱۹۴۳) است؛ نشست‌هایی که معماران قدرت جهانی در آنها نظم بین‌الملل و جغرافیای سیاسی جهان پس از جنگ جهانی را رسم کردند. اما مذاکرات ابوظبی با یک تفاوت بنیادین و عبرت‌آموز همراه است. اگر در وین و یالتا و تهران، اروپا، مرکز ثقل تصمیم‌گیری‌ها و تعیین تکلیف برای نظم پس از جنگ بود، این بار سرنوشت امنیت و آینده اروپا در غیاب کامل خود اروپایی‌ها و بدون تخصیص حتی یک صندلی به بروکسل، پشت درهای بسته رقم می‌خورد. پس از جنگ جهانی دوم، اروپا به دلیل ویرانی‌های گسترده، رفته‌رفته از کانون اصلی قدرت ساختاری کنار رفت. با پایان جنگ سرد و طلوع هزاره سوم، در حالی که کشورهای صنعتی شرق آسیا با بومی‌سازی زنجیره‌های ارزش موقعیت خود را در هندسه قدرت جهانی بازیافتند، اروپا با اتخاذ سیاست تبعیت از واشنگتن، موقعیت خود را از یک بازیگر اثرگذار به یک بازیگر اثرپذیر در نظام بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم تنزل داد.

تحقیر دیپلماتیک در ابوظبی

اعلام برگزاری نشست سه‌جانبه ابوظبی با میانجیگری مستقیم واشنگتن، عینی‌ترین نشانه بر حاشیه‌نشینی قاره سبز است. اروپا که بیشترین هزینه‌های مادی، اقتصادی و امنیتی جنگ اوکراین را متحمل شده، اکنون پشت درهای بسته مانده است. تصویر این طرد دیپلماتیک را می‌توان در اظهارات صریح یوری اوشاکوف دستیار ویژه رئیس جمهوری روسیه دید که تأکید کرد حضور اروپایی‌ها در ابوظبی به معنای مشارکت در مذاکرات نیست: اگر آنها بلیت هواپیما بخرند، به ابوظبی پرواز کنند و در خیابان‌های حاشیه نشست پرسه بزنند، شاید اوکراینی‌ها یا آمریکایی‌ها از باب لطف، هزارگاهی اخباری را به اطلاعشان برسانند. دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین نیز رسماً تأکید کرد که اروپا جایی در مذاکرات صلح ندارد. این انزوا زمانی برای آنها نگران‌کننده‌تر می‌شود که ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین صریحاً نسبت به وقوع یک یالتا ۲ هشدار می‌دهد؛ معامله‌ای میان قدرت‌های بزرگ بر سر مناطق نفوذ و ترتیبات امنیتی اروپا، بدون حضور ذی‌نفعان اصلی. اگرچه رهبرانی چون فردریش مرتس در آلمان فریاد برمی‌آورند که امنیت اروپا بدون مشارکت بروکسل قابل بررسی نیست، اما فقدان اهرم فشار عینی، این مواضع را در حد بیانیه‌های بی‌اثر باقی گذاشته است. اظهارات سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه نیز در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ [که علی‌رغم نارضایتی سران اروپایی، ترامپ روسیه را به این اجلاس دعوت کرد] به روشنی بر این واقعیت صحه گذاشت که اروپا به دلیل بدعهدی و تبعیت کورکورانه، اعتبار دیپلماتیک خود را از دست داده و ایالات متحده تنها میانجی میان مسکو و کی‌یف است. از سویی دیگر عدم انسجام و وجود شکاف در پایتخت‌های اروپایی در کنار بی‌میلی و عدم اعتنای آمریکا به متحدین خود باعث طردشدگی بیشتر اروپا از معادلات تأثیرگذار پیش رو شده است؛ چه اینکه تماس مستقیم اخیر رهبران فنلاند و نروژ با ولادیمیر پوتین در بحبوحه افزایش تنش‌ها میان مسکو و اروپا با نارضایتی سایر دولت‌های این قاره مواجه شد و وحدت اروپا را نشانه گرفت. در آن سوی آتلانتیک نیز واشنگتن رویکرد معامله‌گرایانه خود را پنهان نمی‌کند. ادعای صریح جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، مبنی بر اینکه اوکراین متحد کاخ سفید نیست و تنها در موضوعاتی با یکدیگر شراکت دارند و واشنگتن صرفاً پیگیر منافع خود است، در کنار اقدامات عینی کاخ سفید مانند تعلیق برخی تحریم‌های سوخت روسیه و اولتیماتوم به کی‌یف برای توقف حمله به زیرساخت‌های انرژی مسکو، اثبات می‌کند که آمریکا حاضر است منافع امنیتی اروپا را فدای موازنه انرژی و منافع ملی خود کند. اروپا که با شروع جنگ اوکراین خود را داعیه‌دار امنیت کی‌یف و مسئول حمایت از اوکراین می‌دانست و در ماه‌های اخیر با افزایش تنش میان خود و مسکو زمینه رویارویی مستقیم را فراهم آورده، دوباره خود را در مواجهه با بحران‌های امنیتی این قاره تنها می‌بیند.

> تحلیل ریشه‌ای حاشیه‌نشینی کنونی اروپا نشان می‌دهد که چگونه تلاقی دو بحران بزرگ جنگ اوکراین و بحران انرژی در خاورمیانه محدودیت‌های ساختاری قاره سبز را آشکار ساخته و آن را در لایه‌های متوالی از صحنه بین‌المللی حذف کرده است

فروپاشی اعتبار نهادی در غرب آسیا

ضعف دیپلماتیک و حاشیه‌نشینی اروپا منحصر به حوزه یورو-آتلانتیک نیست. سال گذشته، تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) با شتاب‌زدگی و بدون درک پویایی‌های منطقه‌ای، مکانیسم بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل (مکانیزم ماشه) را علیه ایران فعال کرد. این اقدام نه تنها گرهی از پرونده باز نکرد، بلکه آخرین کارت بازی اروپا را نیز سوزاند. پس از وقوع جنگ چهل‌روزه و جنگ تحمیلی سوم علیه ایران با مسدود شدن تنگه هرمز و جهش بی‌سابقه قیمت انرژی در بازار اروپا، آنها پیشنهادهای مکرری برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن ارائه دادند که به طور قاطع از سوی ایران رد شد. در واکنش به این طرح‌های پیشنهادی، تهران به دولت‌های اروپایی یادآور شد که آنها در ماه‌های گذشته انتخاب‌های نادرستی داشته و اکنون با پیامدهای تصمیمات خود روبه‌رو هستند. شهید علی شمخانی بهمن ماه سال گذشته در مصاحبه‌ای با شبکه المیادین به صراحت از حذف نقش میانجیگری اروپا به دلیل فقدان ظرفیت و عاملیت مستقل سخن گفت و تأکید کرد که ایران با طرف‌هایی که از هرگونه اقدام مؤثر ناتوان هستند مذاکره نمی‌کند. به این ترتیب، اروپا به دلیل بحران اعتماد نهادی و تضعیف موقعیت حقوقی‌اش، از معادله امنیت انرژی و دیپلماسی خاورمیانه نیز کنار گذاشته شد. در چنین شرایطی کشورهای منطقه که زمانی اروپا را به عنوان نظم‌دهنده و نیرویی اثرگذار در خاورمیانه می‌دانستند اکنون به دنبال جایگزینی کشورهای این قاره با بازیگرانی با وزن سیاسی بالاتر هستند. دیدارهای رهبران و مقامات عالی‌رتبه کشورهای منطقه با شی جین پینگ، رئیس جمهوری چین و اعزام فرستاده ویژه پکن به خاورمیانه و شمال آفریقا نشان از تغییر اولویت‌ها برای همکاری و مشارکت در آینده خاورمیانه دارد.



چگونه اروپا حاشیه‌نشین شد؟

تحلیل ریشه‌ای حاشیه‌نشینی کنونی اروپا نشان می‌دهد که چگونه تلاقی دو بحران بزرگ جنگ اوکراین و بحران انرژی در خاورمیانه محدودیت‌های ساختاری قاره سبز را آشکار ساخته و آن را در لایه‌های متوالی از صحنه بین‌المللی حذف کرده است. اروپا هزینه‌های مادی و معنوی جنگ اوکراین و بحران خاورمیانه را به طور مستقیم و غیرمستقیم پرداخت کرده است اما در ازای این هزینه نه تنها چیز چندانی به دست نیاورده، بلکه با موقعیتی سخت و دشوار روبه‌رو است؛ قطع جریان گاز ارزان روسیه از یک سو و ناامنی مسیرهای ترانزیت انرژی در خاورمیانه و انسداد تنگه هرمز از سوی دیگر، اروپا را در معرض رکود شدید تورمی، جهش هزینه‌های معیشتی و اعتراضات مردمی قرار داده است. این بحران‌ها، قدرت مانور اجرایی رهبران اروپایی را سلب کرده به طوری که افزایش سرسام‌آور قیمت انرژی، صنایع سنگین و پیشران آلمان و فرانسه را غیررقابتی و در نتیجه، موجی از فرار سرمایه‌ها و انتقال کارخانجات به سمت ایالات متحده و شرق آسیا شکل گرفته است. از نگاه کارشناسان، حذف اروپا از معادلات جهانی برآمد دولایه قبلی است. قدرت‌های بزرگ با مشاهده ضعف مادی و فقدان اراده مستقل در بروکسل، الگوی چندجانبه‌گرایی نهادی را کنار گذاشته و به دوجانبه‌گرایی عریان روی آورده‌اند. حذف رسمی اروپا از نشست ابوظبی و معادلات پساجنگ هرمز، اثبات می‌کند که در ترتیبات جدید حادث شده در نظام بین‌الملل، تنها کشورهایی پای میز معامله می‌نشینند که از قدرت عینی بازدارندگی و استقلال تصمیم‌گیری برخوردار باشند.

گسست درونی و مطالبه عبور از آتلانتیک‌گرایی

همزمان با بحران‌های خارجی، لایه‌های اجتماعی و سیاسی درون اروپا نیز علیه الگوهای کهنه همگرایی دست به طغیان زده و صعود بی‌سابقه احزاب راست‌گرا، نشان از تغییر گسل‌های قدرت در داخل قاره دارد. در آلمان، حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) به رهبری تینو کروپالا با نقد صریح سیاست‌های ناتو، مطالبه جدی خروج تمامی نیروی نظامی آمریکایی و تسلیحات هسته‌ای این کشور از خاک آلمان را مطرح کرده و مدل دیپلماسی مستقل کشورهایی چون اسپانیا را الگومی‌داند. در فرانسه نیز مارین لوپن با وعده خروج از فرماندهی یکپارچه ناتو و قطع کمک‌های نظامی به اوکراین، شالوده سیاست خارجی پاریس را به چالش کشیده است. اگرچه طیف‌های مختلف راست اروپایی دیدگاه‌های یکسانی ندارند، اما نقطه اشتراک همه آنها، نقد مدل آتلانتیک‌گرایی و رهایی از هزینه‌های سیاست خارجی دیکته شده از سوی واشنگتن و بازگرداندن اروپا به جایگاه پیشین است. اعتراضات اقتصادی و اجتماعی که در ماه‌های اخیر تعدادی از کشورهای اروپایی را درگیر کرده در کنار تحولات بین‌المللی که قاره سبز ناتوان از مدیریت آن است شانس پیروزی را برای ظهور ایده‌های پسا-آتلانتیک‌گرایی فراهم می‌آورد. نشست ابوظبی آیینه‌ای تمام‌نما از حقیقت تلخ دیپلماسی معاصر برای اروپاست؛ قاره‌ای که روزگاری تعیین‌کننده روابط بین‌الملل و مؤسس نظم جهانی بود، امروز به دلیل اتخاذ سیاست‌های تبعی و از دست دادن عاملیت اقتصادی و انرژی، خود به موضوع مذاکره میان دیگر قدرت‌ها تبدیل شده است.

بدون روتوش



محمد محسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

اگر آیزنکوت موفق نشود؟!

بازی تشکیل کابینه در اسرائیل تازه آغاز شده؛ اما برخلاف آنچه ممکن است از فضای رسانه‌ای در این روزها برداشت شود، سرنوشت نتانیاهو هنوز به پایان نرسیده است. بر اساس روند انتخاباتی در اسرائیل، آیزنکوت از زمان دریافت مأموریت از رئیس جمهوری (که یکشنبه شروع شد)، ۲۸ روز برای تشکیل کابینه فرصت دارد که می‌تواند حداکثر ۱۴ روز دیگر به این زمان اضافه کند. اگر او موفق نشود، رئیس جمهوری حداکثر ظرف سه روز تصمیم می‌گیرد که مأموریت را به نماینده دیگری از کنست بسپارد یا اعلام کند امکان تشکیل دولت وجود ندارد. در صورت انتخاب نفر دوم، او ۲۸ روز فرصت خواهد داشت؛ بدون امکان تمدید. و حتی اگر این مرحله نیز شکست بخورد، ۲۱ روز فرصت برای آنکه دست‌کم ۶۱ نماینده کنست با امضای مشترک، فرد دیگری را برای تشکیل دولت معرفی کنند، آغاز می‌شود. فرد سوم نیز ۱۴ روز فرصت خواهد داشت. اگر این تلاش هم شکست بخورد، کنست منحل و انتخابات جدید حداکثر ظرف ۹۰ روز برگزار خواهد شد. با احتساب حداکثر زمان قانونی هر سه مرحله، ساختار اسرائیل می‌تواند تا اواخر اردیبهشت یا اوایل خرداد ۱۴۰۶ درگیر این بن‌بست سیاسی باقی بماند و سپس وارد فضای سه ماهه تا تکرار انتخابات بشود. اما مسأله اینجاست که در این میان، نتانیاهو تماشاگر نیست! او از همان ابتدا می‌داند که شکست آیزنکوت، به‌تنهایی بازگشت او به قدرت را تضمین نمی‌کند. برای همین، سناریوی اول او را باید در مانع‌تراشی برای تشکیل دولت رقیب و سپس تغییر اتمسفر انتخابات آتی جست‌وجو کرد. پایگاه خبری عبری والا به نقل از منابع خود گزارش داده که نتانیاهو تیمی ویژه برای ناکام گذاشتن تلاش‌های آیزنکوت در تشکیل دولت ایجاد کرده است. این خبر را باید در کنار رفتار سیاسی او در روزهای اخیر از جمله سخنرانی تند او در جلسه سه‌شنبه افتتاحیه کنست قرار داد؛ رفتاری که نشان می‌دهد هدف جلوگیری از شکل‌گیری هر دولتی خارج از بلوک او نیز هست. نشست افتتاحیه کنست بیست‌وششم در ۱۰ نوامبر، نمونه روشنی از این راهبرد بود. نتانیاهو در سخنرانی خود به جای تمرکز بر امکان همکاری میان جریان‌های سیاسی، بخش مهمی از سخنانش را به حمله به احزاب عرب اختصاص داد و مدعی شد آنها در پی نابودی اسرائیل و تشکیل دولت فلسطینی به کمک ایران‌اند. این سخنان با واکنش تند آیزنکوت مواجه شد و حزب یاشر نیز جلسه برنامه‌ریزی‌شده خود با نمایندگان لیکود را لغو کرد. در واقع، نتانیاهو دو هدف را همزمان دنبال می‌کند: اول، تبدیل مسأله مشارکت احزاب عرب به خط قرمز سیاسی و ایجاد شکاف در ائتلاف ۶۷ نفره مخالفانش؛ دوم، ترغیب احزاب حریدی و راست‌گرایان مخالف خود به بازگشت به ائتلافی تحت رهبری او. از همین زاویه، هشدار رفیت هیخت در هاآرتص اهمیت دارد. او معتقد است آیزنکوت و نفتالی بنت هنوز درگیر اختلافات بر سر رهبری و غرور سیاسی‌اند، درحالی که نتانیاهو چند قدم جلوتر حرکت می‌کند. به تعبیر او، مهم‌ترین شرط مقابله با نتانیاهو، اتحاد فوری این دو چهره و پایان دادن به رقابت‌های درون بلوک تغییر است. لذا ما باید منتظر مجموعه‌ای از اقدامات و ابتکارات نتانیاهو در چند ماه پیش رو برای ممانعت از دولت‌سازی توسط آیزنکوت و سپس تغییر وضعیت سبد انتخاباتی برای انتخابات احتمالی پیش رو باشیم. نتانیاهو هر کاری خواهد کرد تا هم هر سه مرحله وقت‌کشی طی شود و هم دیگر ۱۹ کرسی عربی تکرار نشود.

نیوزویک: اصرار ترامپ بر حفظ وضعیت موجود در قبال ایران، نشانه شکست آمریکاست

رؤیای ناکام مهار ایران

ترجمه

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، روز دوشنبه در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد که آمریکا در قبال ایران «وضعیت موجود را حفظ می‌کند» و مدعی شد که جنگ با تهران «از نظر نظامی، در عمل پایان یافته است.» اگر منظور رئیس جمهوری آمریکا از «وضعیت موجود»، شرایط حاکم بر چند ماه گذشته باشد، این وضعیت به معنای تداوم محدودیت‌های شدید در تنگه هرمز، حملات پراکنده به نفتکش‌ها، حضور نامحدود ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های جنگی آمریکا در خاورمیانه و ادامه محاصره دریایی بنادر ایران خواهد بود.

مقامات ایران هم تنها چند روز پیش بار دیگر تأکید کردند که انتظار دارند واشنگتن پیش از بازگشایی تنگه هرمز، مجموعه‌ای از خواسته‌های ایران را بپذیرد. همزمان، زیرساخت‌های انرژی کشورهای حاشیه خلیج فارس همچنان در معرض تهدید قرار دارند.

اهداف آمریکا از جنگ با ایران هیچ‌گاه به‌روشنی مشخص نبوده است؛ اما تقریباً با هر معیاری که در نظر بگیریم، وضعیت موجود به شکست شباهت دارد. اگر می‌توانستید به ماه فوریه بازگردید و به قانونگذاران آمریکایی یا حتی هر شهروند آمریکایی می‌گفتید که پس از هشت ماه، اوضاع به چنین نقطه‌ای خواهد رسید، آیا کسی حاضر بود چنین بهایی را بپردازد؟

هیچ‌کس خواهان چنین وضعیتی نیست

براساس آمار سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO)، تردد تجاری از تنگه هرمز همچنان حدود ۶۵ درصد کمتر از سطح پیش از جنگ است؛ این در حالی است که آمریکا همچنان محاصره دریایی بسیار پرهزینه‌ای را علیه ایران حفظ کرده است. حملات به کشتی‌ها نیز همچنان ادامه دارد. روز شنبه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد دو نفتکش با مین‌های دریایی برخورد کرده و دچار آتش‌سوزی شده‌اند. همچنین سازمان UKMTO از حمله به یک نفتکش دیگر در روزهای پایانی هفته خبر داد.

مردم عادی آمریکا همچنان هزینه این وضعیت را می‌پردازند. براساس آمار انجمن اتومبیل آمریکا (AAA) در تاریخ ۱۰ نوامبر، قیمت هر گالن بنزین به ۳.۹۸ دلار و هر گالن گازوئیل به ۶.۱۶ دلار رسیده است؛ ارقامی که به‌ترتیب حدود ۳۰ و ۶۵ درصد بیشتر از نوامبر سال گذشته هستند. اما آمریکایی‌ها تنها کسانی نیستند که هزینه این وضعیت را متحمل می‌شوند. آژانس بین‌المللی انرژی اکنون رسماً جنگ علیه ایران را بزرگ‌ترین اختلال در عرضه نفت در تاریخ به شمار می‌آورد؛ بحرانی که موجی از خسارات و فشارهای اقتصادی را تقریباً در سراسر جهان به دنبال داشته است.

براساس گزارش نهادهای تنظیم‌گر انرژی اروپا، این درگیری بین ۱۸ تا ۳۳ میلیارد یورو به هزینه واردات گاز اروپا افزوده است. در همین حال، میانگین قیمت گاز طبیعی مایع (LNG) در بازارهای آسیا از ماه مارس تا اکتبر، تقریباً ۸۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته بوده است.

متحدان واشنگتن در منطقه خلیج فارس نیز وضعیت بهتری ندارند. ترامپ مدعی است که این کشورها ترجیح می‌دهند آمریکا از انجام حملات بیشتر علیه ایران خودداری کند. با توجه به شرایط موجود، چه کسی می‌تواند آنها را سرزنش کند؟ صادرات انرژی، ستون اصلی اقتصاد این کشورها را تشکیل می‌دهد و برنامه‌های آنها برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به تولید هیدروکربن‌ها، به اعتبار منطقه خلیج فارس به‌عنوان مرکزی امن برای تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی وابسته است. با این حال، خط لوله حیاتی نفت شرق به غرب عربستان سعودی که امکان انتقال نفت خام بدون عبور از تنگه هرمز را فراهم می‌کند، روز دوشنبه بار دیگر هدف حمله قرار گرفت. دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس نیز در برابر حملات به زیرساخت‌های خود به‌شدت آسیب‌پذیر هستند .

در نبود یک توافق آتش‌بس پایدار و مستحکم «وضعیت موجود» چیزی جز تداوم بلاتکلیفی و نااطمینانی نخواهد بود؛ چراکه هشت ماه جنگ برای آمریکا و دیگر متحدانش، چیزی جز رنج و خسارت به همراه نداشته است.

ایران کوتاه نمی‌آید

اگر ایران در چیزی مهارت داشته باشد، آن تاب‌آوردن سختی‌ها و تحمل فشارهاست. تهران نه‌تنها تسلیم نشده، بلکه محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، هفته گذشته بار دیگر تأکید کرد که واشنگتن باید پیش از بازگشایی تنگه هرمز، هفت شرط ایران را به‌طور کامل بپذیرد و اجرا کند. این مطالبات شامل لغو تحریم‌های آمریکا و پایان دادن به محاصره جاری بنادر ایران، آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه و حتی پرداخت غرامت بابت خسارات جنگی است.

او روز دوشنبه نیز پیامی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد و نوشت: «جنگ علیه ایران تاکنون دولت آمریکا را به ورطه فروپاشی کشانده است. اما واشنگتن همچون قماربازی مستأصل دست‌وپا می‌زند. ورق‌هایت را زمین بگذار! دست از تولید اخبار جعلی درباره مذاکرات خیالی بردار. نظم نوین غرب آسیا را انکار نکن. وقت آن رسیده است که در برابر هفت شرطی که ایران بارها اعلام کرده، تسلیم شوی.»

پولی که بر باد می‌رود

تمام این تحولات هزینه‌ای سرسام‌آور برای آمریکا و بویژه حزب جمهوری‌خواه به همراه داشته است؛ حزبی که اکنون به نظر می‌رسد اعضایش در حال تسویه‌حساب با یکدیگر هستند. اردوی سیاسی ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای فاجعه‌بار هفته گذشته، کنترل هر دو مجلس کنگره را از دست داد. تنها یک روز پس از انتخابات، جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهوری، آشکارا جنگ علیه ایران را عامل این شکست دانست؛ دیدگاهی که دونالد ترامپ جونیور، پسر رئیس جمهوری، نیز نتوانست موافقت صریح خود را با آن پنهان کند. روز سه‌شنبه نیز پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، ناچار شد تلاش توماس مسی، نماینده جمهوری‌خواه، برای استیضاح خود را محکوم کند و آن را «اقدامی خرابکارانه» بخواند. هگست در جلسه استماع کنگره در ماه ژوئیه برآورد کرده بود که جنگ با ایران تاکنون ۳۷.۵ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشته است؛ رقمی که خسارات وارده به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس را شامل نمی‌شود. اما برآورد جدیدتری که شبکه خبری سی‌بی‌اس به آن دست یافته و از سوی فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) تهیه شده، هزینه جنگ را تا اواسط اکتبر به ۴۷.۱ میلیارد دلار می‌رساند؛ رقمی که همچنان هزینه تعمیر و بازسازی پایگاه‌های نظامی را در بر نمی‌گیرد.

براساس ارزیابی مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، تا هفته گذشته دو ناو هواپیمابر آمریکایی و حدود ۱۷ ناو جنگی در منطقه مسئولیت فرماندهی مرکزی آمریکا مستقر بودند. این استقرار نظامی، عملیات گسترده و بسیار پرهزینه‌ای است؛ به‌طوری که دفتر بودجه کنگره آمریکا برآورد می‌کند ادامه این رویارویی، ماهانه بین ۲ تا ۳ میلیارد دلار هزینه اضافی به آمریکا تحمیل خواهد کرد.

این وضعیت پیامدهایی فراتر از هزینه‌های مالی دارد: هفته گذشته، ناو هواپیمابر آمریکایی یواس‌اس تئودور روزولت از غرب اقیانوس آرام به سمت خاورمیانه حرکت کرد؛ درست در همان زمان که جدیدترین ناو هواپیمابر چین، فوجیان، در دریای چین جنوبی مستقر شد. این تحولات، خلأ آشکاری را در حضور ناوهای هواپیمابر آمریکا در منطقه‌ای نمایان کرد که واشنگتن در آن با مهم‌ترین رقیب راهبردی خود، یعنی چین، روبه‌روست.

در حال حاضر، به نظر می‌رسد احتمال انجام حملات گسترده به حالت تعلیق درآمده است؛ چراکه گروهی از میانجیگران به رهبری قطر، برای دستیابی به راه‌حلی دیپلماتیک تلاش می‌کنند. این در حالی است که سهم قطر از صادرات جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) در پی جنگ ایران، از ۲۰ درصد به تنها ۲ درصد سقوط کرده است.

اما تهران تأکید دارد که واشنگتن پیش از آغاز مذاکرات، شروط ایران را بپذیرد. ادامه رویارویی نظامی بدون هیچ چشم‌انداز روشنی برای پایان آن، نه برای مالیات‌دهندگان آمریکایی و نه برای کنگره‌ای که بی‌تردید به‌تدریج در برابر خواسته‌ها و تصمیمات خودسرانه رئیس جمهوری موضعی خصمانه‌تر خواهد گرفت، چشم‌انداز جذابی نیست. شاید هرگز نتوانیم به وضعیت پیش از بحران بازگردیم، اما شرایط کنونی نیز به همان اندازه ناپایدار و غیرقابل‌تحمل است.

منبع: newsweek



نوبت اول

آگهی فراخوان عمومی
مناقصه شماره AK-BID-P-05-21
شرکت پترو شیمی امیرکبیر

مناقصه‌گزار: شرکت پتروشیمی امیرکبیر (سهامی عام).
موضوع مناقصه: پروژه طراحی، تهیه متریال، خرید، نصب و راه‌اندازی دو دستگاه تولید بخار فشار بالا (Boiler) به ظرفیت ۱۳۵ تن در ساعت.
متن کامل آگهی فوق در سایت شرکت پتروشیمی امیرکبیر به آدرس www.akpc.ir قابل رؤیت می‌باشد. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۱۵۲۱۷۴۹۶۵ و ۰۲۱۸۴۲۴۷۰۰۰ داخلی ۲۹۸ تماس حاصل نمایند.
درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مناقصه‌گزار ایجاد نمی‌نماید.
شرکت پتروشیمی امیرکبیر

آگهی دعوت از سهامداران
شرکت حمل و نقل انرژی ران اطلس سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۲۶۵۰۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۷۶۹۱۴
به موجب نامه وارده شماره ۱۴۰۵/۱۱۶۳۷ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۰ شرکت مذکور با توجه به انقضاء مدت تصدی هیأت‌مدیره و در اجرای ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت فوق با نمایندگان قانونی آنها دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۵/۹/۹ که در ساعت ۱۰ به آدرس تهران، خیابان سپهبدقرنی، خیابان شهید برادران شاداب، پلاک۹، سالن جلسات شرکت پرسی ایران گاز تشکیل می‌گردد حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه: انتخاب اعضای هیأت‌مدیره
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

اطلاعیه
سایپا گروه خودروسازی سایپا
بدین‌وسیله به‌اطلاع هموطنان و همشهریان و خریداران محترم محصولات گروه خودروسازی سایپا در شهر تهران می‌رساند نظر به این‌که نمایندگی آقای اکبر نیکوکلام بعقوبی به‌عنوان نمایندگی سایپا با کد فروش (۸۹۰۰۷۴) به آدرس: تهران، خیابان ۱۷ شهریور، روبه‌روی ورزشگاه ۱۷ شهریور، پلاک ۱۲۷۰ با شرکت سایپا قطع همکاری نموده است کلیه مشتریان گرامی جهت پیگیری و انجام امور مربوط به تعهدات خود با شرکت سایپا به نمایندگی ذیل مراجعه نمایند.
• لازم به ذکر است نمایندگی آقای اکبر نیکوکلام بعقوبی کد ۸۹۰۰۷۴ هیچ‌گونه رابطه حقوقی و قراردادی با این شرکت ندارد •
نمایندگی مرجع:

استان	شهر	کد فروش	نمایندگی متعهد	آدرس
لرستان	بروجرد	۸۹۶۴۱۱	اکبر نیکوکلام بعقوبی	لرستان، بروجرد، میدان شهید بروجردی، بلوار شهدای ارتش، کیلومتر ۲، جنب سنگ‌بری حافظ

روابط عمومی

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کیان پلیمر البرز
به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۵۷۹۶۹ و به‌شماره ثبت ۴۱۸۴۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی آگاهان پژوهان پویا (حسابداران رسمی) به شمارثبت ۵۳۴۹۴ و شناسه ملی ۱۴۰۱۱۰۶۰۴۳۶ و نمایندگی آقای صالح عیسی وند با کد ملی ۴۱۷۲۹۳۸۳۷۱ به‌عنوان حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و آقای شهرام اسکندری دارای کد ملی ۰۵۹۶۶۱۴۳۷ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ انتخاب شدند روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد صورت‌های مالی، تراز نامه و حساب سود و (زیان) منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ مورد تأیید و تصویب قرار گرفت.
شناسه ۲۳۲۵۴۶۰
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری کرج

نوبت اول
آگهی مزایده عمومی فروش املاک و مستغلات
صندوق ضمانت صادرات ایران - شماره ۱۴۰۵/۰۱
صندوق ضمانت صادرات ایران در نظر دارد تعدادی از املاک و مستغلات خود را با برگزاری مزایده عمومی، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، تحت شماره (۲۰۰۵۰۰۱۰۶۶۰۰۰۰۰۱) به‌فروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت شرکت در مزایده، کسب اطلاعات، ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی(توکن) با شماره دفاتر و مراکز صدور گواهی امضا الکترونیکی و مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه ۱۴۵۶ تماس حاصل نموده و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
زمان انتشار آگهی در سامانه: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۸
مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: از ساعت ۱۷/۰۰ عصر دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۸ لغایت پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۴
زمان بازگشایی پاکت‌ها (پیشنهادها) و اعلام برنده: ساعت ۱۴روزچهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۹/۴
نکات قابل توجه:
۱- مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، به آدرس فوق برگزار می‌شود و کلیه مراحل شامل پرداخت ودیعه شرکت در مزایده، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پیشنهادات، اعلام برنده و واریز وجه مزایده، در بستر سامانه مذکور انجام خواهدشد.
۲- آگهی نوبت اول مزایده در روزنامه ایران در تاریخ ۱۴۰۵/۸/۲۱ درج وآگهی نوبت دوم نیز در روزنامه ایران به تاریخ ۱۴۰۵/۸/۲۴ منتشر می‌شود.
۳- برای هماهنگی بازدید و کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۸۵۴۶۸۴۷، ۵-۸۸۷۳۳۳۷۰ (داخلی ۳۵۵) و تلفن همراه ۰۹۱۲۵۰۴۸۳۰۹ تماس حاصل نموده و یا به سایت www.egfi.org مراجعه فرمایید.